

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: پورتال

گوش کر

(از خاطرات گذشته)

به دل تا جلوه گر، آن ماه نو شد
سر زلفش به دست غیر دیدم
ز خاک شهر کهنه چون برآیم
من از حسرت بخود صد پیچ خوردم
ز من گوئید آن کاکه جوان را
نداری پول یک پوچکه در جیب
جهان بیدار گشت و مردم ما
به چوکی تا مقرر گشت مامور
که یک دم خانه ویرانه او
ندادم یک دوسه مهمانی من
کجا قصاب از قیمت فروشی
فضای کابل از بس پر ز خاک است

به خال هندویش، جانم گرو شد
جهان در چشم، من یکباره شو شد
ترا منزل، بتا در شهر نو شد
سرگیسوی تو، تا چیه تو شد
کجا کرتی و دستارت گرو شد
مگر صرف قمار چکه پو شد
یکی بعد دگر افتاده خو شد
پی رشوت چنان در تگ و دو شد
مجلل خانه ای در شهر نو شد
مدیر شعبه در جتانم ببو شد
ز پا چون گوسپندی لکه تو شد
به چشم روز روشن مثل شو شد

«اسیر» از گفتن بسیار بگذر

که دیدم گوش مردم ناشنو شد

(کابل عزیز - اسد ۱۳۳۰ ش)